

جستاری در نسبت فرهنگ و معماری ایران با آسمان

سمیرا سالاری، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه امام جواد(ع)، یزد، ایران
حمیدرضا بیگزاده شهرکی؛ دکترای مرمت، استادیار دانشگاه فنی و حرفه ای، یزد، ایران

چکیده

در بیشتر خانه‌های قدیمی در هر لحظه این امکان وجود داشت که انسان با آسمان و فضای نامتناهی ارتباط برقرار کند. انسان احساس می‌کرد که جایی که در آن زندگی می‌کند جزئی از آن فضای نامتناهی است؛ لذا به نحوی ارتباط میان انسان و آسمان برقرار بوده است اما بخش عمده ای از خانه‌های کنونی این امکان را ندارند و انسان معاصر در فضایی زندگی می‌کند که او را محدود و از آسمان جدا می‌کند.

انسان به صورت ذاتی و فطری به ارتباط با فضای نامتناهی نیاز دارد. انسان برای نامتناهی ساخته شده است و در واقع محدود کردن فضای نامتناهی و محصور کردن انسان در یک فضای محدود اصولاً ممد زندگی معنوی انسان نیست و انسان را دریند می‌کند. از اینرو برخی از کسانی که در آپارتمان‌ها زندگی می‌کنند نوعی دلسردی، پژمردگی، افسردگی و یأس دارند. معماری باید به گونه ای باشد که انسان با فضای هستی و عالم و آن رمز و راز عالم در ارتباط باشد، یکی باشد و وحدت داشته باشد و این زمانی است که معمار آنرا درک کند و بتواند آنرا بیان کند. در این مقاله نگارنده سعی نموده تا به این پرسش که چه نسبتی بین انسان و آسمان و معماری به عنوان محیط زندگی انسان هست پاسخ دهد و با عنایت به شکاف در ادبیات و فرهنگ ایران و معماری گذشته جایگاه آسمان در نوع نگرش فرهنگ و معماری ایرانی را بررسی نماید.